

## مقدمه مؤلف

اگر نظری نه چندان دقیق بر سیر تحول جوامع بشری بیفکنیم آن‌گاه مشخص می‌گردد که چه اندازه انسان‌ها در این مسیر مبارزه کرده‌اند و چه مقدار فداکاری‌ها و انقلاب‌ها و زجرها و شکنجه‌ها در سیر زمان انجام گرفته است.

حقوق بشر، دانش نوپایی است که در مسیر تحول و تکامل فراز و فرود زیادی داشته است. انسان موضوع حقوق بشر به عنوان گوهر خلقت و اشرف کائنات، مصائب فراوانی را تحمل کرده تا جایگاه واقعی خود را بیابد و حقوق خود را معرفی کند.

با نگاهی به تاریخ زندگانی بشر صحنه‌های تلخ تجاوز به حقوق و کرامت انسانی به روشنی دیده می‌شود. در میان اشکال مختلف تجاوز «شکنجه» مشاهده می‌شود که آسیب شدیدی به حیثیت ذاتی و کرامت انسانی وارد ساخته است.

نه تنها در تاریخ گذشته بلکه در عصر حاضر نیز میلیون‌ها انسان مورد شکنجه و آزار قرار گرفته‌اند. میلیون‌ها نفر که در بازداشت‌گاه‌های آلمان نازی یا در شکنجه‌گاه‌های شوروی سابق مورد بدترین شکنجه‌ها قرار گرفته‌اند یا صدها هزار نفر در جنگ ویتنام که مورد آزار و کشتار قرار داشته‌اند و یا در سایر کشورها توسط حکام، سلاطین و جائزین.

تمدن انسانی، محافظان حقوق بشر، جوامع قضائی، حقوق بین‌الملل و ملی هنوز نتوانسته‌اند صیانتی برای انسان ببینند و او را از حمله و تجاوز و شکنجه و آزار محفوظ و مصون دارند. بعد از جنگ دوم جهانی که بی‌رحمانه‌ترین جنایات را بر صفحه تاریخ ثبت نمود، فکر تأسیس نهادهای رسمی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قوت گرفت و نهادهایی چون سازمان ملل متحد و ارکان آن ظهور یافتند. با وجود ظهور این نهادها، چهره منحوس جنایتکاران ضد بشریت از صحنه گیتی زوده نشده است. شکنجه نیز در بطن این جنایات قرار دارد.

جامعه جهانی هنوز هم از تعرض به حیثیت و حقوق ذاتی افراد در نقاط مختلف دنیا رنج می‌برد. اهمیت این امر زمانی روشن‌تر می‌شود که می‌بینیم در تعریف شکنجه و رفتار آن اجماع نظری وجود ندارد و تاکنون برداشت مشابهی از آن از سوی قانونگذاران و حقوقدانان به دست نیامده است.

جامعه جهانی در یک قرن گذشته به ویژه پس از تحمل آثار زیان‌بار جنگ‌های جهانی به این نتیجه رسید که تضمین حقوق شهروندان و محو جنایات ضدبشری به راهکاری فراتر از آموزه‌های کیفی و برپایی میتینگ‌ها و محافل علمی نیازمند است. طرفداران حقوق بشر به نیکی دریافتند که همکاری دولت‌ها و عزم اراده هماهنگ آن‌ها مسیر مبارزه علیه جنایت بین‌المللی و ضد حقوق بشری را هموارتر و به مقصد نزدیک‌تر خواهد نمود و همچنین تلاش سازمان ملل متحد با انواع ساز و کارهای مقابله با جرائم بشری آن، یکی از این جنایات ضد بشری شکنجه می‌باشد. در این راستا و همسو با ظهور نهادهای حقوق بشری، وضع معاهدات بین‌المللی و پیش‌بینی ساز و کارهای نظارتی بر موضوع شکنجه با صلاحیت فراملی مدنظر قرار گرفت. کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۴۸ نمونه مثبت از این سیاست‌هاست. با این همه سهم مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و تلاش مقامات بشردوست در محو این پدیده شوم ناچیز بوده و واقعیت این است که کابوس شکنجه همچنان بر دل‌ها مستولی است. بسیاری از مراکز قدرت و حکومت این پدیده را به عنوان حق مشروع خود بر زیردستان عارض می‌نمایند و با توسل به ابزار دفاعی به هر شکل آن را توجیه می‌سازند. نمونه‌ی بارز این مدعا رفتار بی‌رحمانه نظامیان آمریکایی در زندان بگرام، ابوغریب و گوانتانامو می‌باشد. دولت ایالات متحده که همواره داعیه دموکراسی و حقوق بشر را دارد و خود را پیش‌قراول حقوق بشر در دنیا معرفی می‌کند و حتی در راستای اجرای سیاست‌های امپریالیستی خود هر کشوری را که در جهت مخالفت با منافع و مواضع واشنگتن حرکت کند به نقض حقوق بشر متهم و علیه آن به جنجال سیاسی و تبلیغاتی می‌پردازد.

نقض آشکار حقوق بشر در این سه زندان نشان می‌دهد که ایالات متحده چیزی جز یک مدعی دروغین حقوق بشر نمی‌باشد که از مفهوم حقوق بشر به صورت ابزاری و در جهت اهداف و منافع ملی خود استفاده می‌کند.

تجاوز به شرافت انسانی و کنجکاوی نویسنده نسبت به ادعاهای حقوق بشری ایالات متحده آمریکا و نیز بررسی ضریب پابندی نظام تقنینی - قضائی این کشور به منشور بین‌المللی حقوق بشر و کنوانسیون منع شکنجه، عامل دیگری در گرایش به انتخاب این موضوع بوده است.

در خصوص بررسی مباحث حقوقی منع شکنجه و خاصه کنوانسیون ضد شکنجه با توجه به عملکرد ایالات متحده در سه زندان بگرام، گوانتانامو و ابوغریب، تاکنون کار تحقیقاتی منسجمی صورت نگرفته و متأسفانه در آثار فارسی به صورت بسیار انگشت‌شمار و آن هم بسیار گذرا به جنبه‌هایی از آن پرداخته شده و در خارج از کشور هم به خاطر سانسور شدید وقایع ضد حقوق بشری که در این سه زندان اتفاق افتاده و می‌افتد مقالات و کتب محدودی به نگارش درآمده است.

در این کتاب ضمن اشاره به پذیرش اصل منع شکنجه توسط غالب دولت‌ها و ورود این اصل در قوانین اساسی اکثر کشورها، تفسیر کاربردی این اصل را در فرآیند دو عامل متضاد دانسته است. ناچار بودن دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه در به رسمیت شناختن این اصل مسلم حقوق بشری، با توجه به اعلام پایبندی آنان به قواعد بین‌المللی، از یک سو و از سوی دیگر در نظر گرفتن اولویت‌های سیاسی کشور خود تحت عناوینی چون منافع و مصالح ملی و ... دغدغه مستمر دانسته شده که در هنگام غلبه ملاحظات سیاسی، امکان نقض آشکار حقوق زندانیان در این خصوص وجود داشته باشد.

منع شکنجه جزء مهمترین حقوق و اصولی است که در راستای حمایت‌های بین‌المللی از حقوق بشر به عنوان اصل بنیادی و ضروری در اسناد و مقررات بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی کشورها بدان پرداخته شده است. امروزه در اندیشه‌های جهانی و نظام حقوق بین‌الملل به عنوان یکی از اصلی‌ترین وظایف و تکالیف کشورها مورد توجه و پذیرش واقع شده و حتی در قانون اساسی برخی از این کشورها دیده می‌شود. به موجب این کنوانسیون هیچ وضعیت استثنائی و فوق‌العاده از قبیل: جنگ، بی‌ثباتی سیاسی داخلی و هرگونه وضعیت اضطراری دیگر نمی‌تواند موجب تجویز شکنجه گردد و دستور مقامات مافوق نیز نمی‌تواند توجیه‌کننده عمل شکنجه باشد و شکنجه‌گر مسئول عمل خویش می‌باشد.

برای درک موضوع و رفع ابهامات در این کتاب به سوالات ذیل پرداخته می‌شود:

۱. سیر تاریخی - تقنینی کنوانسیون ضد شکنجه و مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز چگونه بوده است؟
۲. تا چه حد عملکرد ایالات متحده با قواعد و مقررات بین‌المللی مربوطه، به خصوص کنوانسیون منع شکنجه بوده است؟
۳. آیا عملکرد ایالات متحده علی‌رغم حمایت از حقوق بشر در تئوری با اصول حقوق بشر در عمل منطبق است؟
۴. آیا ایالات متحده مدعی دروغین حقوق بشر می‌باشد؟

فرضیه‌هایی که در این کتاب به دنبال اثبات آن‌ها هستیم عبارتند از:

۱. کنوانسیون منع شکنجه، تکلیفی برای دولت‌های عضو در زمینه رعایت قواعد و مقررات منع شکنجه به حساب می‌آید اما با توجه به تأکید مستمر نهادها و مجامع بین‌المللی بر لزوم رعایت این اصل، و ورود آن به قوانین داخلی و حتی قوانین اساسی کشورها، به نظر می‌رسد عملکرد ایالات متحده نقض آشکار این اصل می‌باشد.

۲. طرفداران عملکرد ایالات متحده قائل بر این هستند که هیچ‌گونه نقضی در این خصوص صورت نپذیرفته است.
۳. شکنجه به عنوان مصداق بارز نقض حقوق بشر، موضوع مستقیم و غیرمستقیم اسناد بین‌المللی متعددی است و در عین حال قوانین کیفری غالب کشورها نیز معطوف به این جنایات ضد بشری گردیده و بر جرم‌انگاری و مجازات مرتکب آن تصریح نموده است. در هر کار تحقیقی و پژوهشی اهدافی وجود دارد که تحقیق بر اساس آن شکل می‌گیرد و کوشش می‌شود با بهره‌مندی از منابع و امکانات موجود نیل به هدف محقق گردد. که عبارتند از:
  ۱. تبیین و بررسی سیر تاریخی - تقنینی کنوانسیون ضد شکنجه.
  ۲. تبیین و بررسی ابعاد حقوقی کنوانسیون ضد شکنجه در نظام حقوق بین‌الملل.
  ۳. بررسی انطباق یا عدم انطباق عملکرد سه زندان بگرام، ابوغریب و گوانتانامو با کنوانسیون ضد شکنجه.
  ۴. بررسی عملکرد ایالات متحده به عنوان مدعی حقوق بشر در سه زندان مذکور.

### تقسیم‌بندی مطالب

مطالب این کتاب به دو فصل کلی تقسیم شده است. در فصل اول با عنوان کلیات به مباحثی از جمله سیر تاریخی - تقنینی شکنجه و تعریف شکنجه و انواع آن می‌پردازد. در فصل دوم با عنوان بررسی عملکرد ایالات متحده در زندان بگرام، ابوغریب و گوانتانامو، به تبیین وضعیت حقوق بشر در این سه زندان می‌پردازد.

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۱۳
مبحث نخست: سیر تاریخی، تقنینی شکنجه	۱۴
گفتار اول: شکنجه در دوران باستان	۱۴
گفتار دوم: شکنجه در اسلام	۱۵
گفتار سوم: شکنجه در اروپا	۱۷
۱- شکنجه در قرون وسطی	۱۹
۲- عصر اصلاحات	۲۰
گفتار چهارم: بحران سیاسی و فضای بیاعتمادی و تخاصم	۲۳
گفتار پنجم: سازمان ملل متحد	۲۳
بند اول: اعلامیه و میثاق حقوق بشر	۲۴
بند دوم: اعلامیه ۱۹۷۵ حمایت از همه افراد در مقابل شکنجه	۲۶
گفتار ششم: مجموعه اصول حمایت از اشخاص تحت توقیف و حبس	۲۷
بند اول: قطعنامه ۴۳/۱۷۳	۲۷
بند دوم: کنوانسیون حقوق کودک	۲۷
بند سوم: کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴	۲۸
بند چهارم- شورای اروپا	۲۸
مبحث دوم-تعریف شکنجه و انواع آن	۲۹
گفتار اول - تعریف شکنجه	۲۹
بند اول - تعریف ادبی	۲۹
بند دوم - تعریف حقوقی شکنجه در اسناد سازمان ملل متحد	۳۰
گفتار دوم- ارکان شکنجه	۳۲
بند اول- رکن مادی	۳۲
بند دوم رکن روانی (معنوی)	۳۴
گفتار سوم- درجه شدت درد و رنج	۳۶
گفتار چهارم- شکنجه و مجازات قانونی	۳۶
گفتار پنجم- انجام آزمایشات غیر قانونی	۳۸
بند اول- شکنجه و مجازات اعدام	۳۹
بند دوم- شکنجه و آپارتاید	۴۱
بند سوم- شکنجه و نسل کشی	۴۱
بند چهارم- شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی	۴۲
گفتار ششم: انواع شکنجه	۴۳
بند اول: شکنجه جسمی	۴۳
بند دوم - شکنجه روحی	۴۸

فصل دوم: بررسی کنوانسیون ۱۹۸۴ منع شکنجه و انطباق آن با عملکرد ایالات متحده در زندان بگرام، ابوغریب و گوانتانامو.....	۵۳
مبحث نخست: بررسی و تبیین ابعاد حقوقی کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴.....	۵۴
گفتار اول: منشأ کنوانسیون ۱۹۸۴.....	۵۶
بند اول: تعریف شکنجه با توجه به کنوانسیون ۱۹۸۴.....	۶۰
بند دوم: وظایف دولت‌ها در قبال کنوانسیون ۱۹۸۴.....	۶۱
گفتار دوم: کمیته منع شکنجه.....	۶۸
بند اول: ارائه گزارش.....	۷۰
بند دوم: تحقیق و بررسی.....	۷۰
بند سوم: اطلاعیه‌های کمیته منع شکنجه.....	۷۱
مبحث دوم: بررسی عملکرد ایالات متحده در زندان بگرام، ابوغریب و گوانتانامو.....	۷۵
گفتار اول: سابقه آمریکا در کنوانسیون‌های حقوق بشری و کنوانسیون منع شکنجه.....	۷۵
گفتار دوم: سیاست دولت ایالات متحده در استفاده و دفاع از شکنجه.....	۷۶
بند اول: سیاست آمریکا در احداث زندان‌های مخفی.....	۷۹
بند دوم: آمریکا از نقض تا استفاده ابزاری از حقوق بشر.....	۸۴
گفتار سوم: زندان بگرام.....	۸۸
بند اول: حادثه ۱۱ سپتامبر.....	۸۸
بند دوم: جنگ علیه تروریسم یا مبارزه علیه تروریسم.....	۹۰
بند سوم: نقض حقوق بشر دوستانه در افغانستان.....	۹۵
بند چهارم: وضعیت حقوقی زندانیان بگرام.....	۹۷
گفتار چهارم: زندان ابوغریب.....	۱۰۰
- نقض حقوق بشر در زندان ابوغریب.....	۱۰۰
گفتار پنجم زندان گوانتانامو.....	۱۰۵
بند اول: وضعیت حقوقی زندانیان گوانتانامو.....	۱۰۷
بند دوم: دادگاه‌های نظامی مبارزه با تروریسم.....	۱۱۳
بند سوم: نقض حقوق بشر در زندان گوانتانامو.....	۱۱۸
بند چهارم: نظر مجامع بین‌المللی حقوق بشر در مورد نقض حقوق بشر توسط آمریکا.....	۱۲۷
بند پنجم: نتایج جنگ ایالات متحده آمریکا علیه تروریسم پس از یک دهه.....	۱۳۲
فهرست منابع.....	۱۴۳
الف- کتب.....	۱۴۳
ب- مقالات.....	۱۴۴
ج- اسناد.....	۱۴۴
د- مجلات حقوقی.....	۱۴۴